

## عزتمندی در بیانیه گام دوم انقلاب

اسلام شاهمرادی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup> محمد نبی احمدی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مفاهیم مهم اخلاقی در اسلام مفهوم عزت در انسان است. عزت نفس، فضیلتی است که بین دو اخلاق رذیله قرار گرفته است و انسان در صورت انحراف از این صراط مستقیم، به دو مسیر انحرافی، یعنی تکبر و تذلل گرفتار می شود. عزت یکی از محورهای اصلی بیانیه گام دوم انقلاب نیز می باشد از اینرو، هدف اصلی این مقاله بررسی قرآنی و روایی عزتمندی در بیانیه گام دوم انقلاب است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. یافته های تحقیق نشان داد که قرآن کریم تمامی عزت را از آن خدا می - داند و اطاعت مطلق از خدا و پیامبران الهی و ائمه، تمسک و پیروی از قرآن و انجام عمل صالح از عوامل دستیابی به عزت حقیقی می - باشد. انسان عزتمند باید مطیع خدا، ولایت مدار، بصیر، آگاه، اهل مدارا با مردم و مجاهد در راه خدا و... باشد. در دیدگاه رهبری نیز انقلاب اسلامی بر همین اساس، شکل گرفت تا بسترساز عزت در کشور باشد. در این مقاله مقوله - های بیان شده در نگاه رهبری در آیات و روایات نیز مورد توجه و بررسی قرارگرفت و این نتیجه گرفته

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه علوم معارف قرآن کریم قم: [eslam1397sh@gmail.com](mailto:eslam1397sh@gmail.com)

۲. دکتری ادبیات عرب، رییس وعضو هیات علمی دانشگاه رازی [Mn.ahmadi217@yahoo.com](mailto:Mn.ahmadi217@yahoo.com)

شد که در انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف گام دوم و تمدن نوین اسلامی توجه به عزت ملی به مثابه راهبردی مهم است که جهت دهی کشور را تعیین می‌کند. کلیدواژه‌ها: قرآن، روایت، بیانیۀ گام دوم، انقلاب اسلامی، عزتمندی.

## ۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، نهضتی بزرگ، شکوهمند و تأثیرگذار بود که با پیروزی خود چه در داخل و چه در خارج از کشور، ناظران را با پدیده‌ای تازه در صحنه سیاسی جهان روبه رو ساخت. این پدیده بنا به ماهیت، اهداف و سرنوشت خود، در هیچ یک از معیارهای سیاسی جهان نمی‌گنجد و اینک پس از چهل سال پرافتخار با بیانیه الهی مقام معظم رهبری تحت عنوان گام دوم انقلاب وارد مرحله حساس تمدن‌سازی اسلامی در جهان شده است. این بیانیه در یک تقسیم بندی کلی با نگاهی به گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی، سیاست‌ها و راهبردهایی را ترسیم نموده است در این بیانیه سخنان حکیمانه و گویبار مقام معظم رهبری به این جهت که با حقایق الهی عجین شده و اصول و ارزش‌های آن برآمده از قرآن و سنت نبوی ﷺ و سیره اولیای ائمه اطهار علیهم‌السلام است، زمینه را برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی همگانی برای ظهور و قیام مهدوی فراهم کرده است.

عزّت‌مندی انقلاب، از جمله موضوعات کلیدی بیانیه است که برای تمدن‌سازی نوین اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. بیانیه گام دوم به فرموده مقام معظم رهبری مسیری برای ساختن انقلابی عزّت‌مند است و دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران باید در این مسیر قدم بردارد؛ بحث عزّت‌مندی در بین تعالیم اسلامی نیز، جایگاه ویژه‌ای دارد و از اصول پذیرفته شده و ثابت در همه مکاتب اخلاقی، به ویژه اخلاق اسلامی است و از پایه های اساسی اخلاق فردی و اجتماعی به شمار می‌رود. بسیاری از پستی‌ها و فرومایگی‌های اخلاقی و کثی‌های فرد و اجتماع، در فروپاشی برج و باروری عزّت انسان ریشه دارد.

در قرآن کریم عزّت از آن خداوند است. (زمز: ۴؛ فاطر: ۱۰) و اوست که غنی بالذات است و همه موجودات در برابر ذات لایزالش فقیر بالذات هستند، انسان‌ها در هر مرتبه و مقامی که باشند، عزّتشان نسبی و غیراصیل است و همواره مقهور قدرت لایزال الهی هستند. بر همین اساس امام علی علیه السلام فرموده است: «وَكُلُّ عَزِيزٍ غَيْرُهُ ذَلِيلٌ وَ كُلُّ قَوِيٍّ غَيْرُهُ ضَعِيفٌ»؛ «هر عزیز غیر از خداوند، ذلیل است و هر توانایی جز او، ضعیف و ناتوان است» (نهج

البلاغه، خطبه ۶۴). قرآن کریم بر روی مسأله عزّت تکیه زیادی دارد و در آیات بسیاری آن را مطرح کرده-است. در این نوشتار سعی بر آن است تا، عزّتمندی را در بیانیّه گام دوم انقلاب با تکیه بر آموزه-های قرآنی و روایی تبیین و بررسی نمایم.

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش-های متعدّدی در ارتباط با موضوع عزّت انجام شده-است که ذیلاً به چند مورد آن اشاره می-شود:

«عزّت از منظر قرآن و سنت» از رضا حق پناه؛ «اصل عزّت و تسامح و رابطه آن با نرمش قهرمانانه در مذاکرات سیاسی از دیدگاه اسلام» از عزّت الله معتمدکوتیانی، احمد رضایی و محمد ستوده آرانی و نیز «راهکارهای عزّت و اقتدار اسلامی از منظر قرآن و روایات» از رضا سعادت نیا و نرگس حیدری. اما برابر با یافته-های نگارندگان این مقاله تاکنون تحقیق علمی که عزّتمندی را در بیانیه گام دوم مورد بررسی قرار داده باشد، صورت نگرفته است. بنابراین وجه تمایز این پژوهش، تبیین قرآنی و روایی عزّتمندی در بیانیّه گام دوم انقلاب است تا این مهم حاصل شود که مقام معظّم رهبری چگونه با بیان نافذشان عزّتمندی را به عنوان اصلی شاخص و اساسی برای چلّه دوم انقلاب اسلامی تبیین، ترسیم و توصیه فرموده-اند.

## ۳. مفاهیم

در این بخش مفاهیم اصلی تحقیق تعریف و بررسی می-شود.

### ۱.۳ عزّت

علمای علم لغت ریشه اصلی این کلمه را از «عَزَّزَ» بر وزن «أَسَّسَ» می-دانند که در واقع از نظر تحلیل صرفی، این کلمه از فعل ثلاثی مجرد مضاعف (عَزَّزَ: عَزَّ يَعُزُّ عِزًّا و عَزَاةً) می-باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۴؛ فراهیدی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۹۳).

### ۱.۳-۱ معانی «عزّت» و مشتقات آن



فراهیدی در معنای کلمه «عزّت» چنین آورده است: «عَزَّ: هرگاه این کلمه، برای چیزی به کار رود، به معنی آن است که آن چیز به قدری کم است که گویا نیست و اگر این کلمه برای شخصی به کار رود به معنای سخت گرفتن است مثل: «إِذَا عَزَّ أَخُوكَ فَهَنْ»؛ «هنگامی که برادرت بر تو سخت می گیرد تو با او ملایمت و نرمی کن»؛ صاحب العین معتقد است کلمه «عزّت» فقط در خصوص خداوند متعال به کار می رود و صفت عزیز مختص اوست و عزیز به معنای محکم و استوار می باشد و این کلمه در مقابل ذلّت به کار می رود (فراهیدی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۱۹۰).

ابن منظور نیز چنین می گوید: «و أَلْعَزُّ فِي الْأَصْلِ: الْقُوَّةُ وَالشَّدَّةُ وَالْغَلْبَةُ». عزّ در اصل به معنی قوت، سختی و چیرگی و غلبه است و همچنین به معنای بلندی و ارتفاع هم آمده است. و کلمه «عزّ» در مقابل «ذلّ» قرار دارد و کلمه «عزّت» در آیه ۸ سوره منافقون و ۱۰ سوره فاطر به معنای غلبه و چیرگی آمده است. یعنی در دنیا و آخرت نصر و غلبه از آن خداوند صاحب عزّت است؛ و کلمه «أَعَزَّهُ» که جمع کلمه «عَزَّ» می باشد در آیه ۵۴ سوره مائده به معنای سخت و مقتدر است (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ، ج ۹، ص ۱۸۴ و ۱۸۵).

راغب اصفهانی نیز آورده است که: عزیز کسی است که در اثر نیرومندی، امرش غالب و جاری است و مقهور نمی شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۵۹۴).

### ۱.۳-۲ کاربرد «عزّت» در قرآن و حدیث

واژه «عزّت» و مشتقات آن ۱۲۰ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است.

که واژه «عزیز» با ۸۶ بار تکرار بیشترین کاربرد را داشته است. این واژه به همراه ۹ صفت خداوند متعال در قرآن کریم به کار رفته است. هرکدام از صفات، برای فهماندن حقیقتی است؛ یعنی خدا در عین عزّت و توانایی کارهایش از روی حکمت و مصلحت است چرا که وقتی عزیز با اسمائی چون غفور، وهّاب، رحیم همراه است در این موارد این واژه در مرتبه جمالی ظهور می کند و نیاز مخلوق را مرتفع می نماید. آنجا که با صفت قوی آمده، گویای جلالی بودن این اسم و شدید بودن حکم خداوند بر مخلوقات است چنانچه گاهی در مقام

تهدید است. مثل: (وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ) (آل عمران: ۴).

برای اینکه اقتران این اسم با این اسماء بیانگر اجرای حکم الهی بر میزان استعداد می-باشد که گاه موجب ظهور قهر خداوند و گاه موجب ظهور رحمت است (خرمشاهی، فانی، طاهری و صدرحاج سیدجوادی، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۲۸۴).

عزیز از اسماء الهی است و بحث در مورد اسماء الهی از پیچیده ترین مباحث اعتقادی می باشد و تنها اولیاء الهی هستند که می توانند به حقیقت اسماء الهی پی ببرند و ائمه هدی در هنگام دعا کردن، خداوند متعال را به اسم «عزیز» قسم می-دادند و نکته قابل توجه این است که در مضمون این ادعیه، به معنای «عزیز» توجه شده است و زمانی که اسم عزیز واسطه طلب قرارداد شده است و معنایی متناسب با آن از خداوند متعال خواسته شده است. در صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام عرض می-کنند: «اللَّهُمَّ فَأَظْلِبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَظْلُبُ، وَ أَجْزِنِي بِعَزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ»؛ «خدایا آنچه را از تو طلب می-کنم به قدرت خود روا گردان و از هر چه بیمناکم به عزت خویش پناه ده» (صحیفه سجادیه، نیایش ۲۰).

همچنین در فراز دیگری از دعایشان در محضر حق تعالی عرضه می-دارد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَصِّنْ تُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعَزَّتِكَ»؛ «بار خدایا درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرزهای مسلمانان را به پیروزمندی خویش استوار گردان» (صحیفه سجادیه، نیایش ۲۷).

یکی دیگر از کاربردهای اسم «عزیز» در روایات این است که، قهر و غلبه خداوند به جمیع اشیاء با اسم عزیز است. در روایات آمده است که: «خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِكَ وَ قَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِعَزَّتِكَ»؛ «خدایا همه اشیاء را با قدرت خویش خلق کردی و با عزت خویش بر همه اشیاء قهر و غلبه داری» (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۸۲). پیامبر گرامی اسلام در مناجات خویش می-فرماید: «يَا مَنْ هُوَ بِلاَ وَزِيرٍ، يَا مَنْ هُوَ عَزِيزٌ ذُلٌّ، يَا مَنْ هُوَ بِلاَ ذُلٍّ»؛ «ای خداوندگار بی دستیار، ای عزیز بدور از ذلت، ای بی نیاز به دور از فقر» - (ری شهری، ج ۷،

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «كُلُّ عَزِيزٍ دَاخِلٍ تَحْتَ الْقُدْرَةِ فَذَلِيلٌ»؛ «هر عزیزی که زیر قدرت و سلطه-ای باشد، ذلیل است» (همان).

### ۲.۳ بیانیه گام دوم انقلاب

در این بخش به تعریف و بررسی بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته می‌شود.

#### الف) چیستی «بیانیه گام دوم انقلاب»

گام دوم انقلاب بیانیه-ای است که از سوی آیت الله العظمی خامنه-ای رهبر جمهوری اسلامی ایران که به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردیده است و در آن بر «استمرار راه انقلاب ۱۳۵۷» به تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته می‌پردازد. آیت الله خامنه-ای در این بیانیه با هدف «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» توصیه‌هایی ارائه می‌دهد. در این بیانیه ایشان، ملت ایران، «به ویژه جوانان» را مورد خطاب قرار می‌دهد و به توضیح و روشن کردن مسأله برداشتن «گام دوم» به سوی «تحقق کامل آرمان‌های انقلاب ۱۳۵۷» می‌پردازد.

#### ب) محورهای مهم در بیانیه گام دوم انقلاب

توصیه‌های مهم در این بیانیه عبارتند از:

۱. علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.
۲. معنویت و اخلاق: معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

۳. اقتصاد: اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است.

۴. عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است؛ و این برای نظامی، چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است.

۵. استقلال و آزادی: استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است؛ و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه‌ی الهی به انسان‌هاست و هیچ کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دو هستند.

۶. عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

۷. سبک زندگی: سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛

مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.

کارشناسان معتقدند عبارات به کار رفته شده در بیانیه گام دوم انقلاب به نوعی همانند سخنانی است که سید روح‌الله خمینی به آن باور داشت. نکته مهم در بیانیه گام دوم انقلاب سپردن کار به جوان-هاست. مخاطب قرار گرفتن جوانان یعنی حدود ۳۵ میلیون نفر از جمعیت ایران در این بیانیه، از دیگر نکات مهم آن می‌باشد. لذا، محتوا و مضامین بیانیه گام دوم را به عنوان منشور انقلاب ۵۷ در نقطه عطف ۴۰ سالگی برمی‌شمرد.

بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

#### ۴. تبیین مبانی روایی و قرآنی عزت در بیانیه گام دوم

«بیانیه گام دوم» راهکار تحقق عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها است. در این بیانیه به عزت ملی توجه ویژه‌ای شده است. راه کارهای متعددی در آیات و روایات برای حفظ جامعه عزتمند و دستیابی به عزت ملی مدنظر قرار گرفته است که در سخنان مقام معظم رهبری بازتاب داشته است. بر این اساس، به این موارد اشاره می‌شود.

#### ۱.۴ عزت خواهی از خداوند

در منطق قرآن کریم، خداوند صاحب عزت معرفی شده است: (الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا) (نساء: ۱۳۹)؛ (إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا) (یونس: ۶۵)؛ (سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ) (الصفافات: ۱۸۰).

در منطق قرآنی، عزت واقعی و کامل متعلق به خدای متعال و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدایی قرار می‌گیرد. در مصاف بین حق و باطل، عزت متعلق به کسانی است که با شیاطین و طاغوت‌ها، مبارزه می‌کنند. در سوره فاطر می‌فرماید: (مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا) (فاطر: ۱۰).

هر آنچه از عزت واقعی قابل تصور باشد سزاوار ساحت مقدس کبریایی خداوند متعال

است و ائمه اطهار به این اصل مهم که عزّت در انحصار خداوند است و کسب عزّت و شرافت، از راه انتساب به او شدنی است، توجه کرده اند و در موارد گوناگون، بر این اصل اساسی تأکید فرموده اند، مولای متقیان امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: «وَالْعَزِيزُ بَعْدَ اللَّهِ ذَلِيلٌ»؛ «کسی که از ناحیه ی غیرخداوند عزیز شود، دچار ذلت است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۸، ص ۱۰، ح ۶۷). و در جای دیگر فرموده است: «كُلُّ عَزَّ لَا يُؤَيِّدُهُ دَيْنٌ مَدْلَةٌ»؛ «هر عزّتی که دین (اسلام) آن را تایید نکند، خواری است» (محدث، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۵۴۶، ح ۴۴).

بنابراین هر عزّتی که منشاء آن، خداوند نباشد و از غیر او کسب شود، همراه با تحقیر انسان به دست آمده و از خورای و ذلّت هم، بدتر و منفورتر است. امام علی علیه السلام در مناجات خود با خداوند متعال، چنین می-گوید: «إِلَهِي كَفَى لِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا» «خداوندا در عزّت من، همین بس که بنده توام» (ابن بابویه، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۲۰).

در دعای عرفه به نقل از سیدالشهدا علیه السلام چنین آمده است که تمام عزّت و بلند مرتبگی، ویژه خداوند قادر متعال است و هرکس خدا را دوست بدارد، عزیز است و الا ذلیل خواهد بود: «يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُورِ وَالرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْرُهُ يَتَعَزَّزُونَ»؛ «ای کسی که خود را به بلند مرتبگی و ارجمندی، اختصاص داده-ای، به گونه-ای که دوستانت با تمسک به عزّت تو، کسب عزّت می-کنند» (ابن طاووس، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۶۵۸).

مؤمن واقعی که خواهان عزّت است به درستی منبع آن را جستجو می-کند چرا که می-داند عزّت واقعی متعلق به خداوند، پیامبر و مومنان است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمی-کنند و نمی-فهمند که مرکز عزّت واقعی کجاست (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۱/۳/۱۴). در جامعه مؤمنانه، مؤمن هرگز ذلت نمی-پذیرد؛ زیرا عزّت خواهی، ریشه در فطرت و ایمان انسان دارد و اگر انسان را از عزّت نفسش جدا کنند، از انسانیت و ایمانش چیزی باقی نخواهد ماند.

در سوره مبارکه شعرا، گزارشی از مجموعه چالش های پیامبران بزرگ مطرح شده است؛

درباره چالش‌های این پیامبران بزرگ: حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی؛ بحث می‌کند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم می‌رساند. در هر مقطعی که می‌خواهد غلبه جبهه نبوت را بر جبهه کفر بیان بفرماید، می‌فرماید: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ؛ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ) (شعراء: ۱۲۱ و ۱۲۲)؛ یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت را داشتند و قدرت به دست آن‌ها بود، اما جبهه توحید بر آن‌ها پیروز شد (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۱/۳/۱۴). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>

بنابراین مشخص می‌شود که رهبر انقلاب اسلامی بر اساس آیات قرآن، عزّت واقعی را متعلق به خداوند، پیامبر، مؤمنان و جبهه توحیدی می‌داند و این مقوله که در اندیشه رهبر فرزانه انقلاب استخراج شد در تناظر با آیات قرآن کریم است و آیات صراحت دارند که عزّت واقعی متعلق به خداوند، پیامبر و مؤمنان است.

#### ۲.۴ توکل و پیروی از خداوند

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به الطاف الهی در چهل سال گذشته و عبور نظام اسلامی از گردنه‌های سخت خاطر نشان کردند: «عزّت و اقتدار و اعتبار مادی و معنوی کشور در دنیا، و خیل عظیم جوانان انقلابی آماده به کار، و پیشرفتهای و جهش‌های کشور، غیرقابل مقایسه با ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی است و همه‌ی این موفقیت‌ها، مرهون لطف و عنایت الهی است. بنابراین توکل به خدا هیچ‌گاه نباید فراموش شود و باید در همه شؤون از خدا اطلاعات نمود» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۸/۰۷/۰۴) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43591>

از طرفی، در آیات و روایات نیز یکی از عوامل اساسی در عزّتمندی انسان‌ها اطلاعات از خدا و پیروی از فرامین الهی است. چنانچه پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ: أَنَا رَبُّكُمْ الْعَزِيزُ، فَمَنْ أَرَادَ عَزَّ الدَّارِينَ فَ لَيَطَّعَ الْعَزِيزُ»؛ «خداوند تعالی همه روزه می‌فرماید: من پروردگار عزیز شما هستم، پس هر کس خواهان عزّت در دو جهان

است. باید از [خدای-] عزیز اطاعت کند» (متقی، ۱۳۸۳، ج ۱۵، ص ۷۸۴).  
از امام علی علیه السلام نیز نقل شده است که فرمودند: «إِذَا طَلَبْتَ الْعِزَّ فَاطْلُبْهُ بِالطَّاعَةِ»؛ «هرگاه خواهان عزت شدی، آن را در فرمانروایی [از خدای] بجوی» (محدث، ۱۳۸۴ ش، ج ۱، ص ۲۷۹).

در آیات قرآنی، قرآن کتاب خداست؛ یاری جستن و تمسک به قرآن، بدون شک عزت آفرین است؛ (تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ) (زمر: ۱)؛ قرآن کلام الهی و جلوه‌ای از قدرت و عزت، علم و حکمت پروردگار است و آیات نورانی آن نشانگر عزت و عظمت خداوند متعال است؛ قرآن برنامه دست‌یابی انسان به عزت و شرافت دینی است، چراکه هم قرآن با عزت است و هم از جانب خداوند عزیز فرو فرستاده شده است و هم عزت بخش است: (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ؛ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ) (فصلت: ۴۱ و ۴۲).

چون خداوند متعال سرچشمه-ی عزت و بزرگی است، پیروی از قرآن کریم که سخن اوست، در بردارنده-ی عوامل عزت و بزرگواری انسان است. خداوند متعال می-فرماید: (فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ) (زخرف: ۴۳ و ۴۴).

مقام معظم رهبر در خصوص عزت ملی بیان داشته-اند: «ملت ایران نسبت به خود یک نگاه حقارت‌پندارانه داشت؛ یعنی اینکه این ملت بتواند بر اراده‌ی قدرت-ها، بر اراده‌ی ابرقدرت‌ها فائق بیاید، مطلقاً به ذهن احدی خطور نمی-کرد. نه فقط حالا اراده‌ی قدرت-های جهانی، حتی اراده‌ی قدرت-های داخلی، حتی اراده‌ی فلان مسئول-فرض کنید که - یک اداره‌ی امنیتی یا انتظامی، اصلاً به ذهن مردم خطور نمی-کرد که بتوانند غلبه کنند بر اراده‌ی صاحبان اراده‌های تلخ و خطرناک. احساس حقارت می-کردند، احساس توانایی نمی-کردند؛ امام این را تبدیل کرد به احساس عزت، احساس اعتماد به نفس، و مردم را از این حالت که حکومت استبدادی را یک امر طبیعی بدانند- که این جور بود؛ آن زمان تصور



ماها کأنه این بود که خب بالاخره یک شخصی در رأس مملکت هست و اراده‌ی او حاکم است؛ خب طبیعت مسئله همین است و اصلاً این را یک امر طبیعی و عادی می‌دانستیم - تبدیل کردند به انسان‌هایی که خودشان نوع حکومت را تعیین می‌کنند. از شعارهای مردم در انقلاب، اول، نظام اسلامی، حکومت اسلامی، بعد هم جمهوری اسلامی بوده؛ مردم خودشان تعیین‌کننده بودند، مطالبه‌کننده بودند؛ بعد هم در انتخابات‌های گوناگون شخص حاکم را، اشخاص مورد مسئولیت در بخش‌های مختلف حکومت را مردم معین کرده‌اند؛ یعنی حالت خودحقیرپنداری که در مردم بود، بکلی تبدیل شد به حالت عزت و اعتماد به نفس ملی» (آیت‌الله خامنه‌ای؛ سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)).

#### ۳.۴ پایبندی به اسلام و ارزش‌های اسلامی

رهبر انقلاب یکی از منشأهای عزت اسلامی را قرآن کریم و استفاده از آموزه‌های ارزشمند و گرانقدر آن می‌دانند. در واقع ایشان عزت اصلی مسلمانان را اسلام می‌دانند «ما باید استفاده کنیم از این مایه‌ی عزت و قدرت اسلامی و الهی (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰) عنصر عزت اسلامی - یعنی اسلام - است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳)، میل برگشت به اصول و مبانی اسلامی [است] که مایه عزت، پیشرفت و ترقی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۲/۲۹)، در واقع اسلام است که ملت‌ها را زنده می‌کند و به آن‌ها عزت می‌بخشد. در واقع اسلام و عمل به دستورهای آن، عین عزت و شرافت است. «در واقع، ما اسلام را نگه نمی‌داریم، اسلام است که ما را نگه می‌دارد. هر ملتی که به پای اسلام بایستد، خود را زنده، سرافراز و عزیز خواهد شد. اسلام عزیز است، اسلام دارای علو است. ما به اسلام احتیاج داریم، برای این که از تحقیر قدرت‌های استکباری، تحقیر علمی - سیاسی و فرهنگی نجات پیدا کنیم.

هم‌چنانکه مقام معظم رهبری فرمود: «او [امام خمینی رحمته‌الله علیه] به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز درآورد. او ملت ایران را از اسارت بیگانگان نجات داد و به

آنان غرور و شخصیت و خودباوری بخشید...». بنا بر آمارها، تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دینداری می‌کنند و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان شده است.

از این رو بنا به گفته رهبری، اسلام، دین رهایی و آزادگی از تمام قیدها و «نه گفتن» به تمام دلبستگی‌ها به غیر از خدا است که منشأ تمامی خفت‌هایی است که می‌خواهد بشر را بنده و برده‌ی خود سازد. از این رو، نخستین گام برای رسیدن به عوامل عزت، پذیرفتن اسلام و تن دادن به دستورات عزت آفرین آن است. امام علی علیه السلام در خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه خود فرموده‌اند: «ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينَ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ وَ اصْطَنَعَهُ عَلَى عَيْنِهِ وَ أَصْفَاهُ خَيْرَةَ خَلْقِهِ وَ أَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ، أَذَلَّ الْأَذْيَانَ بِعَزَّتِهِ وَ وَضَعَ الْمَلَلَّ بِرَفْعِهِ وَ أَهَانَ أَعْدَاءَهُ بِكَرَامَتِهِ وَ خَدَلَ مُحَادِّبِهِ بِنَصْرِهِ وَ... وَ أَعْلَمَ قُصْدَ بِهَا فِجَاجُهَا وَ مَنَاهِلُ رَوِيَّ بِهَا وَرَادُهَا. جَعَلَ اللَّهُ فِيهِ مُنْتَهَى رِضْوَانِهِ وَ ذُرْوَةَ دَعَائِمِهِ وَ سَنَامَ طَاعَتِهِ»؛ «همانا دین اسلام، دین خداوندی است که آن را برای خود برگزید و با دیده عنایت پروراند، و بهترین آفریدگان خود را مخصوص ابلاغ آن قرار داد، پایه های اسلام را بر محبت خویش استوار کرد، و ادیان و مذاهب گذشته را با عزت اسلام، خوار کرد و با سربلند کردن اسلام، دیگر ملت ها را بی ارزش نمود، و با محترم داشتن اسلام، دشمنانش را خوار کرد و با یاری کردن اسلام، دشمنان سرسختش را شکست داد و... اسلام پرچمی است که برای راهنمایی پویندگان راه خدا نصب گردیده و آبشخوری است که وارد شوندگان به آن، سیراب می‌شوند، خداوند نهایت خشنودی خود را در اسلام قرار داده است و بزرگ‌ترین ستون‌های دینش و بلندترین قله‌ی اطلاعات خداوند در اسلام جای گرفته است و...» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۸).

#### ۴.۴ پیروی و پیوند با معصومین و مؤمنان

مقام معظم رهبری، منشأ عزت و کرامت را در فلسفه دعوت الهی پیامبران، از جمله پیامبر اسلام می‌داند و یکی از اصول دعوت این بزرگواران را دعوت به بازیافتن عزت و کرامت انسانی معرفی می‌کنند. ایشان معتقد هستند که انسان‌های آزاده و ستم دیده در

راستای این دعوت جهانی، این مهم را پی در پی خواستارند. «ملت های مظلوم دنبال عزت خودشان هستند؛ همان عزتی که یکی از پایه‌های دعوت پیغمبر بود» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۱/۰۸). بنا به فرموده ایشان پیروی و پذیرفتن دعوت پیغمبران خود عزت یک ملت را تضمین می‌کند چرا که؛ رسول گرامی اسلام و اهل بیت عزیز آن حضرت علیهم‌السلام مصداق کامل پیوند یافتن با خدا به وسیله ایمان آوردن و انجام کردار شایسته و عزت آفرینی هستند. پیامبر اسلام در مقام راه یافتن به سرچشمه کمال الهی به جایی رسید که خداوند درباره‌ی او فرمود: (وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ) (قلم: ۴)

از جمله فضایل برجسته اخلاقی آن حضرت، عزت و شرافت نفس است. قرآن کریم با تاکید بر پیروی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا) (نساء: ۵۹) بدین ترتیب، پیروی از پیامبر و جانشینان آن حضرت که هر کدام به سرچشمه‌ی عزت، پیوسته‌اند، مایه‌ی عزتمندی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۴۳۴).

در واقع، یک دین زمانی عزتمند است که بتواند تصویر درستی از هستی برای مخاطبان‌ش ایجاد کند به عبارت دیگر تصویر صحیحی از خالق و جهان هستی ارائه نماید. مکتب اهل بیت در این ویژگی، خصوصاً توحیدی که معرفی کرده است بی نظیر می باشد، آنان با اتصال به سرچشمه وحی، مفسران حقیقی قرآن کریم هستند و معارف بلندی را برای بشریت به ارث گذاشته‌اند. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «لَا يَزَالُ السَّلَامُ عَزِيزًا مَا وَلِيَهُمْ أَتْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»؛ «دین اسلام عزیز خواهد بود به واسطه وجود ۱۲ خلیفه که همگی از قریش هستند» (ابن طاووس، ۱۳۷۰ هج، ص ۱۰۱).

قرآن کریم، عزت را مخصوص خدا و رسولش و مومنان می‌داند و مصداق بارز مومنان راستین، ائمه اطهار هستند، لذا هر کسی که به دنبال عزت و سربلندی است باید مطیع و پیرو آنان باشد، آن چنان که امام سجاد علیه‌السلام فرموده‌اند: «طَاعَةُ وُلَاةِ الْأَمْرِ تَمَامُ الْعِزِّ»؛ «پیروی

از صاحبان امر، همه عزّت است» (حرانی، ۱۲۹۷ق، ص ۲۸۳).

پیامبر گرامی هیچگاه از خود ذلت نشان نداد و از مؤمنان نیز خواست به ذلت تن در ندهند. ایشان می-فرماید: «هیچ مؤمنی نباید نفس خود را خوار بشمارد» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۵۸).

هنگامی که از حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام درخواست شد سخنی را که خود از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیده است، بازگوید، ایشان این گفته را فرمود: «خداوند کارهای بزرگ و با شرافت را دوست دارد و کارهای پست و ذلیل را خوش نمیدارد» (احسائی، بی تا، ج ۱، ص ۶۷).  
در سخنان مقام معظم رهبری نیز پیوند یافتن با مؤمنان که افتخار بندگی خدا را دارند و عزّت خویش را از سرچشمه-ی اصلی - خداوند عزیز- گرفته-اند، عامل عزّت و مانع ذلت پذیری است (حسینی خامنه-ای، ۱۳۹۸/۲/۱۴). قرآن کریم می-فرماید: (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ) (منافقون: ۸).

عزّت و سعادت هیچگاه با ولایت کافران و منافقان به دست نمی-آید و خداوند هرگونه ولایت کافران و مشرکان را بر مؤمنان نفی کرده است. خداوند در قرآن می-فرماید: (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) (نساء: ۱۴۱). از آیات یاد شده برمی-آید که کافران و مشرکان در منطق و گفت و گو و روابط نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... هیچگونه برتری و ولایتی نسبت به مؤمنان و مسلمانان نخواهند داشت و حق هیچ-گونه سلطه -ای بر امور مسلمانان را ندارند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۵۸).

#### ۵.۴ عزّت و قدرت نظامی و اقتصادی

از دیدگاه رهبری عواملی که برای عزّتمندی انسان ها بیان شده-اند تنها در حیطه فردی خلاصه نمی-شوند. بلکه جامعه هم از این امر مهم مستثنی نیست. جامعه نیز به جامعه عزّتمند یا جامعه ذلیل قابل تقسیم است. قاعده کلی در عزّتمندی جامعه اسلامی این است که در هر زمان و مکانی که لازم است اقتدار جامعه اسلامی در تمامی عرصه-های سیاسی - نظامی - اقتصادی و فرهنگی حفظ شود و نباید به گونه-ای رفتار شود که جوامع دیگر

بتوانند بر مسلمین تسلط یابند. تولید ثروت در جامعه و نیروی انسانی توانمند و کارآمد سبب عزّت‌مندی جامعه می‌شود ( بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

هر جامعه ای که به لحاظ قدرت نظامی وابسته به سایر جوامع باشد، به همان میزان در برابر قدرت های خراجی آسیب پذیر و ذلیل خواهد بود. توانمندسازی جامعه در عرصه نظامی رابطه مستقیمی با عزّت‌مندی آن جامعه دارد. خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَعَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ)؛ (انفال: ۶۰).

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَرْبَطُوا الْخَيْلَ فَإِنَّ ظَهْرَهَا لَكُمْ عَزٌّ، وَ أَجْوَفَهَا كَنْزٌ»؛ «به پرورش اسب پردازید؛ که سواری بر آن [در مراسم و به هنگام دفاع] مایه عزّت و زایمان آن، مایه-ی گنج است» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۵۵۵).

اقتصاد پویا و توانمند سبب عزّت جامعه است. در مقابل وابستگی اقتصادی مایه ضعف و ذلّت جامعه است در هم تنیدگی قدرت نظامی - سیاسی با قدرت اقتصادی به قدری زیاد است که به راستی نمی توان اثرات یان دو مقوله را از هم جدا کرد. رابطه معیشت انسان با عزّت‌مندی او در دو حوزه فردی و اجتماعی یک رابطه تنگاتنگی است. روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده است: «عَنْ الْمَعْلِيِّ بْنِ خَنْبَسٍ قَالَ: رَأَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَقَدْ تَأَخَّرَتْ عَنْ السُّوقِ، فَقَالَ: أَغْدَا لِي عَزٌّ»؛ «معلى بن خيس می گوید امام صادق علیه السلام مرا دید که دیر بر سر کار رفته بودم فرمود: از صبح [ اول وقت ] در پی عزّت خود باش» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳).

تقویت قدرت دفاعی و افزایش امنیّت ثمرات اقتدار علمی در کشور است که می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بنیه دفاعی و امنیّتی کشور را در مقابل تهدیدات نرم (فکری

و فرهنگی) و نیمه سخت (امنیتی و ساختاری) مصون سازد. لذا رهبر انقلاب معتقدند: «حرکت علمی برای کشور ما یک ضرورت مضاعف است؛ یک نیاز مضاعف و مؤکد است. نیاز است؛ چرا؟ چون علم، عامل عزّت و قدرت و امنیّت یک ملت است - که مختصراً توضیح خواهم داد - مضاعف و مؤکد است؛ چرا؟ چون به این وظیفه، در طول صد سال از بهترین زمان‌ها عمل نشده؛ از دوران اواسط قاجار که نهضت علمی و نهضت صنعتی دنیا اوج گرفته و شکوفا شده بود - از اواسط نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم - و علم در شکل استعمار خودش را نشان داده بود؛ غرب با دستیابی به ابزار علم، مشغول استعمار دنیا شده بود. از آن روز - تقریباً صد سال یا بیشتر - که وقت بیداری و هوشیاری ما بود، این وظیفه‌ی بزرگ، وظیفه‌ی رشد دادن علمی کشور، به دلائل گوناگون تعطیل و متوقف شد. عمده دلیل هم عبارت بود از: حاکمیّت استبداد، حاکمیّت طاغوت-ها، حاکمیّت سلاطین دست‌نشانده، ضعیف و زبون. ما وارث این عقب‌ماندگی هستیم. لذا تلاش ما باید مضاعف باشد. پس، یک نیاز است و این نیاز مؤکد و مضاعف است. در این زمینه که علم نیاز است، شماها می‌دانید، اما خوب است مجدداً من این را بگویم که حقیقتاً کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزّت، توقع استقلال و هویت و شخصیت، توقع امنیّت و توقع رفاه داشته باشد. طبیعت زندگی بشر و جریان امور زندگی این است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

#### ۴.۶ عزّت در سیاست خارجی

آیت الله خامنه‌ای با توجه به آیه نفی سبیل (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)؛ «... و خداوند هرگز کافران را بر مومنان تسلطی نداده است» و حدیث «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»؛ «اسلام برتر است و چیزی بر او برتری ندارد» (ابن بابویه؛ ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۳۴)، معتقد است عزّت اسلامی براساس اعتقاد و ایمان توحیدی به دست می‌آید نه تکیه بر نژاد؛ و اگر کشوری بخواهد استکبار را ملاک رابطه خود با دیگر کشورها قرار دهد، مورد پذیرش جمهوری اسلامی ایران نیست (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان وزارت

امور خارجه، ۱۸/۰۴/۱۳۷۰). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>  
برخی از مفسران بر این باورند که مقصود از آیه نفی سبیل، این است که مؤمنان به اذن خدا دائماً بر کفار غالب هستند، البته مادامیکه ملتزم به لوازم ایمان خود باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۵، ص ۱۱۶). بنابراین اگر مؤمنان ملتزم به لوازم ایمان خود باشند، بر کفار غلبه می‌یابند و غلبه بر کفار نیز عزّت-آور است. پس می‌توان به این نتیجه رسید که عزّت اسلامی در سایه اعتقاد و ایمان به دست می‌آید و با اعتماد بر عوامل دیگری همچون قدرت، ثروت، نژاد و مانند آن‌ها، عزّت اسلامی به دست نمی‌آید.

افزون بر آیه نفی سبیل، آیات دیگر (نساء: ۱۳۹؛ یونس: ۶۵؛ صافات: ۱۸؛ منافقون: ۸؛ هود: ۹۲؛ یس: ۱۴؛ آل عمران: ۲۶؛ ابراهیم: ۲۰؛ فتح: ۳؛ فاطر: ۱۰ و ۱۷) نیز دلالت دارند که راه به دست آوردن عزّت اسلامی فقط از طریق ایمان به پروردگار است.

از جمله آثار اصل عزّت محفوظ ماندن جامعه و افراد از آسیب دشمن بیرونی و درونی است. در همین رابطه رهبر انقلاب اسلامی بیان می‌کند: «وقتی که عزّت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه می‌شود، مثل یک حصار عمل می‌کند، مثل یک باروی مستحکم عمل می‌کند؛ می‌دارد. آن وقت هرچه این عزّت را در لایه‌های عمیق‌تر وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم، تأثیرات این نفوذناپذیری بیشتر می‌شود؛ کار به جایی می‌رسد که همچنان که انسان از نفوذ و غلبه دشمن سیاسی و دشمن اقتصادی محفوظ می‌ماند، از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلی، یعنی شیطان هم محفوظ باقی می‌ماند» (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>. (۱۳۹۱/۳/۱۴)

#### ۷.۴ عزّت ملی و مرزبندی با دشمن

رهبر انقلاب با اشاره به مسیر طی شده و جایگاه کنونی ملت ایران و عبور کردن از گردنه‌های سخت توصیه‌هایی را در حوزه روابط خارجی مطرح کردند که محور اصلی آن بر عزّت و افتخار ملی تأکید داشت، ایشان در توصیه خود در زمینه روابط خارجی تأکید کردند عزّت

ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛ هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌الملل هستند (صباحی و فهیمی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰).

عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن را یکی از راهبردهای اساسی در بیانیه گام دوم دانست. از دیدگاه رهبری، کشوری عزیز است که هم مستحکم باشد و هم از درون احساس ضعف و سستی نکند. کشوری که در مقابل دشمن کم بیاورد، نمی‌تواند عزیز باشد، نمی‌تواند مستحکم باشد. کشوری عزیز است که از هر جهت احساس قدرت کند (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه‌ی خدائی قرار می‌گیرد. این منطق قرآن است که (من کان یرید العزة فله العزة جمیعا). عزت مربوط به جبهه حق است «و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین»؛ عزت متعلق به خداست، عزت متعلق به پیامبر و به مؤمنین است؛ جبهه کفر و نفاق نمی‌فهمند که عزت و مرکز عزت واقعی کجاست (مروتی، ۱۳۹۸، ص ۲۹).

خداوند در سوره نساء، درباره کسانی که خود را متصل به مراکز قدرت های شیطانی می‌کنند، برای اینکه حیثیت و قدرتی به دست بیاورند، می‌فرماید: (أیبتغون عندهم العزة فان العزة لله جمیعا)؛ عزت تنها در نزد خداست؛ عزت ملی، در یک بستر باید تعریف شود. زندگی و تفکر در چارچوبی که در رأس آن خدای عزیز و مقتدر قرار گیرد، به انسان انگیزه-عزت و اندیشه-با-عزت القامی-کند.

انقلاب اسلامی بر اساس همین هدف و انگیزه، شکل گرفت تا بسترساز عزت در این کشور باشد و در چهل سال گذشته با همه مشکلات این رویکرد وجود داشت و برای رسیدن به گام دوم و تمدن نوین اسلامی توجه به عزت ملی به مثابه راهبردی است که جهت دهی کشور را تعیین می‌کند.



در بیانیه گام دوم آمده است که «عزّت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن» شاخه‌هایی از اصل عزّت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی هستند. گسترش حضور قدرتمندانه- سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه، بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید.

به توجه به پدیده‌های نوظهور صحنه جهانی که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند، تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه؛ بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. رهبر انقلاب با بیان اینکه سرداران نظام سلطه نگران هستند تاکید کردند پیشنهادهای آن‌ها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقّت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزّت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت (مروتی، ۱۳۹۸، ص ۳۰-۳۵).

راهبردی که مقام معظم رهبری در حوزه سیاست خارجی ترسیم کردند مبتنی بر حفظ قدرت انقلاب اسلامی است. دشمنان انقلاب اسلامی تلاش داشتند تا آن را در درون مرزهای ایران محصور کنند و موجب شکل‌گیری حرکت‌های ضدّ انقلابی در داخل کشور بشوند؛ اما واگذاری سفارت رژیم صهیونیستی به فلسطین و تسخیر لانه جاسوسی نمونه‌های

بارزی برای جلوگیری از حرکت-های ضد انقلابی در داخل بوده-است و در عین حال می-توان گفت که دیوار کشی تل آویو در اطراف سرزمین-های اشغالی از ترس نفوذ انقلاب اسلامی انجام-شده است. عابدینی مدعی شد امروز اندیشه انقلاب اسلامی در قالب محور مقاومت متبلور شده که در کشورهایی مانند یمن، سوریه، عراق و لبنان ظهور پیدا کرده است و تنها به مرزهای کشور ما محدود نمی-شود و این موضوع یکی از نکته-های مهم در بیانیه گام دوم رهبر انقلاب اسلامی است (امام خامنه ای، بیانات دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴). [https://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=23810](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=23810)

بنابراین طبق بیانیه گام دوم، انقلاب ایران در حالی وارد دهه پنجم خود می-شود که باید همچنان اصول چهار دهه گذشته را با توجه به تحولات صورت گرفته و تغییر نسل ادامه بدهد. ایران پس از چهل سال در منطقه از یک بازیگر دست نشانده و ژاندارم به یک بازیگر مستقل، مقتدر و قدرتمند تبدیل شود تا جایکه امروزه مهم ترین بحران های منطقه جز با وساطت و حضور ایران حل و فصل نخواهد شد که نمونه آن را می-توان در بحران سوریه و نشست -های آستانه دید بعید به نظر می رسد که کسی امروز شکست و نابودی داعش را در راستای تفکر مقاومت و حمایت ایران از دولتهای مشروع نداند. ایران امروز به یک کشور مولف برای تمام دولتهای اسلامی و غیر اسلامی تبدیل شده است لذا این موضوع نشان می-دهد راه آمده نه تنها بر ترکستان نیست، بلکه مستقیماً بر کعبه آمال می-رسد (صباحی و فهیمی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷-۱۰۸).

#### ۸.۴. تقابل عزت و ذلت

در اندیشه آیت الله خامنه-ای، نقطه مقابل عزت، ذلت است و اگر فرد یا جامعه-ای، راه عزت اسلامی را پی نگیرد دچار ذلت و خواری خواهد شد. ایشان بر این باور هستند که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه روح عزت را در مردم احیا کرد درحالی که دوران طولانی دویست ساله منتهی به انقلاب، یک دوران سخت تاریک ذلت، بوده است. بر

همین اساس مقام معظم رهبری خطاب به مسئولان وزارت امور خارجه، سفیران و کارداران جمهوری اسلامی ایران، بیان می‌کند که باید بر اساس اصل عزّت نه خواری، روابط بین المللی جمهوری اسلامی ایران را با دیگر کشورها شکل دهند:

«ملت ما باید در روابط بین المللی، خواری نبیند و اهانت نشود. هیچکس حق ندارد اهانت به ملت ایران را در کمترین برخورد با دیگران قبول کند. اگر کسی اهانت پذیر است، برای خودش اهانت پذیر است؛ برای ملت ایران نمی شود؛ حق ندارد» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>

در آیات قرآن نیز به تقابل عزّت با ذلت اشاره شده است. این تقابل در برخی از آیات مشاهده می شود: (... تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ..) (آل عمران: ۲۶). (يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ)؛ (منافقون: ۸).

#### نتیجه

«بیانیه گام دوم» راهکار تحقق عزّت و پیشرفت در همه عرصه‌ها است که در آن به عزّت ملی توجه ویژه‌ای شده است. در بازشناسی اصل عزّت در قرآن کریم و روایات مشخص شد مقوله‌هایی که در این بیانیه بیان شده‌اند، همه بر مبنای آیات قرآن و روایات هستند. این مقوله‌ها عبارتند از: عزّت خواهی از خداوند؛ توکل و پیروی از خداوند؛ پایبندی به اسلام و ارزش‌های اسلامی؛ پیروی و پیوند با معصومین و مومنان؛ عزّت و قدرت نظامی و اقتصادی؛ عزّت در سیاست خارجی؛ عزّت ملی و مرزبندی با دشمن و تقابل عزّت و ذلت.

عزّت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛ هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزّت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌الملل هستند. پس اولاً، عزّت در یک جامعه زمانی به وجود می‌آید که آن جامعه در عرصه‌های مختلف از وابستگی‌های خود کاسته و با اتکا به

نیروی لایزال الهی بر روی پای خود بایستد و مسیر پیشرفت را با صبر و بردباری طی کند؛ در چنین جامعه‌ای بین تمامی افراد در زمینه‌های مختلف همدلی و صمیمیت برقرار بوده و تکیه افراد بر روی نیروی داخلی است. اگر جامعه‌ای وابسته شد دیگر نمی‌تواند شجاعانه در برابر بی‌منطقی‌ها و زورگویی‌ها و زیاده‌خواهی‌های دیگران ایستادگی کند و از حق خود دفاع کند، چراکه بلافاصله با ابزار تحریم او را به‌زانو درمی‌آورند؛ و ثانیاً، یک جامعه زمانی عزت دارد که جلوی متجاوزان و مستکبرانی که دندان طمع برای اشغال یا دخالت و اختلال در امور آن جامعه تیز کرده‌اند بایستد و کشوری که مردم آن شجاعت نداشته و از قدرت‌های خارجی هراس داشته باشند و یا باوجود شجاعت هیچ‌گونه قدرت دفاعی در برابر تهاجمات دشمنان را نداشته باشند، همواره آماج حملات دشمنان و مورد طمع استعمارگران خواهند بود.

## فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
- نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، الخصال، چاپ ششم، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۶.
  ۲. ابن طاووس، سیدعلی بن موسی، اقبال الاعمال، قم: قرآن ساعد، ۱۳۹۳.
  ۳. \_\_\_\_\_، کشف المحجّه لثمره المهجه، نجف: منشورات المطبه الحیدریه، ۱۳۷۰ هج.
  ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاری الرویفی الإفیقی، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ هـ.
  ۵. احسائی، ابن ابی جمهور ابو جعفر بن علی، عوالی اللثالی، قم، سیدالشهداء، بی تا.
  ۶. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول، قم: قرآن ساعد، ۱۲۹۷ق.
  ۷. حرعاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین، وسائل الشیعه، بی جا: نشر آل البيت، ۱۴۱۴ق.
  ۸. حسینی خامنه ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
  ۹. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصلاهی امام خمینی رحمته اللّٰه علیہ، تهران، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۹۲/۸/۲۹.
  ۱۰. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۰/۴/۱۸.
  ۱۱. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری

- در پایان اجلاس دو روزه خبرگان. نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۹۲/۶/۱۴.
۱۲. \_\_\_\_\_، بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۹۱/۳/۱۴.
۱۳. \_\_\_\_\_، سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۶۸/۱۱/۱۹.
- i. \_\_\_\_\_، گزیده‌ای از بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۹۸/۰۷/۰۴.
۱۴. \_\_\_\_\_، مجموعه بیانات مقام معظم رهبری، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۳، ۱۳۸۲/۱۲/۲۹، ۱۳۸۰/۱۲/۱، ۱۳۹۰.
۱۵. \_\_\_\_\_، بخشی از بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان جوان، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۲/۰۶/۱۳۸۶.
۱۶. حق پناه، رضا، عزّت از منظر قرآن و سنت، دو فصلنامه الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی (آموزه-های قرآنی)، شماره ۴ و ۵.
۱۷. خرمشاهی، بهاء‌الدین، فانی، کامران، طاهری، ابراهیم، صدرحاج سیدجوادی، احمد، دایره‌المعارف تشیع، بی-جا: نشر حکمت، ۱۳۹۱ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بی‌چا، قم، سعید بن جبیر، ۱۳۷۶.
۱۹. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۳ش.
۲۰. سعادت نیا، رضا، حیدری، نرگس، راهکارهای عزّت و اقتدار اسلامی از منظر قرآن و روایات، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۴۷.
۲۱. صباحی، امیرحسین، فهیمی، مریم، تبیین مولفه های عزّت ملی در

- بیانیه گام دوم انقلاب، فصلنامه اندیشه های نوین، سال سوم، شماره ۱۷، ۱۳۹۹، ۹۹-۱۱۹.
۲۲. صحیفه سجادیه، آیتی، عبدالمحمد، ترجمه صحیفه سجادیه، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۴.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، انتشارات ناصرخسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۷.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: محمدباقر کمره ای، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۲۷. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۳.
۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء، چاپ ۱۴۰۴ ق.
۲۹. محدث، جلال الدین، شرح غررالحکم، اتپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۳۰. مروتی، نادره، گام دوم انقلاب، عزّتمندی انقلاب، نهمین همایش ملی بررسی عزّت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب، تهران، ۱۳۹۸. ۲۸-۳۹.
۳۱. معتمد کوتیانی، عزّت الله، رضایی، احمد، ستوده آرانی، محمد، اصل عزّت و تسامح و رابطه آن با نرمش قهرمانانه در مذاکرات سیاسی از دیدگاه اسلام، دو

فصلنامه پژوهش های سیاست اسلامی، شماره ۱۲.  
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ اول، بی جا، دارالکتب  
الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.